از سلسله‌ی پهلوی در تهران، تا زلزله‌ی پهلوی در فرانکفورت

نویسنده: تورج ز

تاریخ انتشار: 16 Aban 2585 باستانی برابر با November 7, 2026 میلادی



در تاریخ شانزدهم آبان ۲۸۵۸ باستانی برابر با ۷ نوامبر ۲۰۲۶ میلادی، شهر فرانکفورت آلمان به صحنه‌ی یکی از گسترده‌ترین و قابل‌توجه‌ترین گردهمایی‌های ایرانیان در اروپا تبدیل شد. این رویداد که هم‌زمان با اهدای «جایزه آزادی» بنیاد فریدریش ناومان به شاهزاده رضا پهلوی برگزار شد، توجه رسانه‌های بین‌المللی و ناظران سیاسی را به خود جلب کرد. برگزاری این تجمع عظیم، بازتابی از دهه‌ها تحول سیاسی، بلوغ مدنی جامعه‌ی دیاسپورای ایرانی و تداوم تلاش‌ها برای استقرار دموکراسی در ایران بود. بررسی این رویداد نیازمند نگاهی به بستر تاریخی، ابعاد میدانی تجمع و پیام‌های سیاسی نهفته در آن است.

برای درک اهمیت گردهمایی فرانکفورت، باید به ریشه‌های تاریخی آن بازگشت. با پایان یافتن سلسله‌ی پهلوی در سال ۲۵۳۷ باستانی و وقوع انقلاب اسلامی، ساختار سیاسی ایران دستخوش تغییری بنیادین شد و میلیون‌ها ایرانی در دهه‌های پس از آن، ناگزیر به مهاجرت شدند. در طول نزدیک به نیم قرن گذشته، جامعه‌ی ایرانیان خارج از کشور از گروه‌های پراکنده‌ی مهاجر، به یک نیروی سیاسی و مدنی منسجم‌تر تبدیل شده است.

شاه‌زاده رضا پهلوی در تمام این سال‌ها به عنوان یکی از چهره‌های شاخص و شناخته‌شده‌ی مخالفان جمهوری اسلامی فعالیت کرده است. تحولات سال‌های اخیر ایران، به‌ویژه اعتراضات گسترده‌ی مردمی، موجب شد تا بحث درباره‌ی آینده‌ی سیاسی ایران، شکل‌گیری ائتلاف‌ها و یافتن نمادهایی برای همبستگی، با جدیت بیشتری در فضای بین‌المللی دنبال شود. رویداد فرانکفورت در این امتداد تاریخی، نقطه‌ی عطفی برای سنجش میزان سازماندهی و حضور میدانی هواداران این گفتمان در خارج از مرزهای ایران به شمار می‌رود.

زلزله‌ی مدنی در فرانکفورت؛ آرام، محکم و پرجمعیت یعنی، آنچه در میدان رومربرگ (Römerberg) و خیابان‌های اطراف کلیسای تاریخی سنت پل رخ داد، از منظر جامعه‌شناسیِ سیاسی و رفتارشناسیِ جنبش‌های مدنی، بسیار حائز اهمیت بود. بر اساس گزارش‌های رسمی پلیس آلمان، جمعیتی بالغ بر بیست‌وپنج هزار نفر (گزارش منابع غیررسمی، حتی از رقم هفتاد هزار نفر یاد می‌کند.) در این تجمع شرکت کردند که حتی همان آمار پلیس، برای یک گردهمایی سیاسیِ مرتبط با کشوری دیگر در خاک اروپا، رقمی خیره‌کننده محسوب می‌شود. این حضور گسترده، نشان‌دهنده‌ی توانایی بالای بسیج اجتماعی و اشتیاق بخش بزرگی از ایرانیان خارج از کشور برای مشارکت در روندهای سیاسی است.

یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های این تظاهرات، ماهیت کاملاً مسالمت‌آمیز و آرام آن بود. برخلاف بسیاری از تجمعات سیاسی که ممکن است به تنش یا بی‌نظمی کشیده شوند، هزاران شهروند ایرانی‌تبار با در دست داشتن پرچم‌ها و نمادهای ملی، در کمال آرامش و نظم به بیان خواسته‌های خود پرداختند. این انضباط مدنی، پیامی روشن به جامعه‌ی جهانی و افکار عمومی غرب ارسال کرد: اینکه ایرانیانِ خواهان تغییر، به اصول دموکراتیک، آزادی بیان و قواعد رفتار مدنی پایبند هستند. همبستگی میان نسل‌های مختلف، از کسانی که دهه‌ها پیش ایران را ترک کرده‌اند تا جوانانی که در سال‌های اخیر مهاجرت کرده‌اند، جلوه‌ای ویژه به این گردهمایی بخشیده بود.

جایزه آزادی و پیام‌های سیاسی از کلیسای سنت پل، همان هسته‌ی مرکزی این رویداد، مراسم اهدای جایزه آزادی سال ۲۰۲۶ میلادی توسط بنیاد فریدریش ناومان در کلیسای تاریخی سنت پل بود؛ مکانی که به عنوان نماد دموکراسی در تاریخ آلمان شناخته می‌شود. انتخاب این مکان برای اهدای جایزه، دارای بار نمادین عمیقی برای گذار به دموکراسی بود.

سخنرانی رضا پهلوی در این مراسم، حاوی نکات و پیام‌های سیاسی روشنی بود که بازتاب‌دهنده‌ی استراتژی او در قبال تحولات جاری است. او در این مراسم تأکید کرد که این جایزه را به عنوان «مالک» نمی‌پذیرد، بلکه تنها به عنوان یک «امین و نگهدارنده» آن را به نمایندگی از ملت ایران دریافت می‌کند تا روزی که آن را در یک ایران آزاد به صاحبان اصلی‌اش، یعنی مردم، بازگرداند. این رویکرد، در راستای مواضع پیشین او مبنی بر واگذاری تعیین نوع حکومت آینده به صندوق‌های رأی و اراده‌ی آزاد مردم ارزیابی می‌شود.

در بخش دیگری از سخنانش، او به وضوح بر لزوم وارد آوردن «فشار حداکثری» بر ساختار جمهوری اسلامی تأکید کرد. او ضمن تمایز قائل شدن میان جنگ همه‌جانبه و حملات هدفمند، خواستار آن شد که در صورت بروز هرگونه درگیری نظامی، تنها نهادهای سرکوبگر مانند سپاه پاسداران هدف قرار گیرند و از هرگونه آسیب به غیرنظامیان و زیرساخت‌های ملی و اقتصادی ایران با دقت جلوگیری شود. این موضع‌گیری، تلاشی برای پاسخگویی به نگرانی‌های عمومی درباره‌ی پیامدهای ویرانگر جنگ و تأکید بر حفظ امنیت شهروندان ایرانی بود.

تکثر آرا و بازتاب‌های بین‌المللی، همان‌طور که در هر فضای سیاسیِ باز و دموکراتیک انتظار می‌رود، این رویداد با تکثر آرا و دیدگاه‌های متفاوتی نیز همراه بود. در حالی که هزاران نفر در خیابان‌های فرانکفورت با شور و انسجام از رضا پهلوی حمایت می‌کردند، در فضای سیاسی داخلی آلمان، برخی از احزاب محلی مانند شاخه‌های فرانکفورتِ حزب سوسیال دموکرات (SPD) و حزب سبزها، با اشاره به اختلاف‌نظرهای موجود در میان اپوزیسیون ایران، این مراسم را بایکوت کردند.

این تفاوتِ دیدگاه‌ها نشان‌دهنده‌ی پیچیدگی‌های گذار سیاسی در ایران است. با این حال، حتی منتقدان نیز نمی‌توانند

وسعت و نظم حضور خیابانی حامیان او را نادیده بگیرند. خود رضا پهلوی نیز در سخنرانی‌اش با اشاره به منتقدان، ضمن پاسداشت آزادی بیان، آزادی نقد و اعتراض در خیابان‌های آلمان را دقیقاً همان آزادی و حقی دانست که برای فردای ایران آرزو می‌کند.

تجمع بیش از هیجده‌هزار هزار نفری فرانکفورت نشان داد که بخش قابل‌توجهی از ایرانیان دیاسپورا، فراتر از اختلافاتِ نظری، آماده‌اند تا برای رساندن صدای خود به نهادهای بین‌المللی به خیابان‌ها بیایند. این گردهمایی عظیم، مسالمت‌آمیز و محکم، فارغ از هرگونه سوگیری سیاسی، نمادی از زنده‌بودن امید به تغییر و بلوغ مدنی جامعه‌ی ایرانی بود؛ رویدادی که به عنوان یک نقطه‌ی درخشان از فعالیت‌های مدنی و سیاسی در تاریخچه‌ی مهاجران ایرانی ثبت خواهد شد.

برای مشاهده‌ی تصاویری از ابعاد این گردهمایی بزرگ و فضای حاکم بر آن، می‌توانید گزارش **تجمع هزاران ایرانی در فرانکفورت** را تماشا کنید.

سخنرانی شاه‌زاده رضا پهلوی در مراسم اهدای جایزه آزادی ۲۰۲۶میلادی بنیاد فریدریش ناومان در کلیسای سنت پل فرانکفورت (۱۶ آبان ۲۵۸۵ باستانی)، حول محور نقش دوران گذار، همبستگی ملی و دادخواهی بین‌المللی ایراد شد.

محورهای اصلی و پیام‌های سخنرانی:

دریافت جایزه به عنوان «امین»: او تأکید کرد که این جایزه را تنها به‌صورت موقت و به عنوان «امین» مردم ایران می‌پذیرد تا روزی که در یک دولت منتخب دموکراتیک، آن را در پایتخت (تهران) به صاحبان اصلی‌اش تحویل دهد.

تشبیه نقش خود به «پُل گذار»: او نقش سیاسی فعلی‌اش را به پلی تشبیه کرد که وظیفه‌اش رساندن مردم از یک ساحل به ساحل دیگر است؛ با ذکر این نکته که «کسی روی پل خانه نمی‌سازد؛ از آن عبور می‌کند و سپس پل مهم‌ترین کارش را انجام داده است».

استعاره‌ی خانه و بازپس‌گیری کلید: وی ایران را به خانه‌ای تشبیه کرد که ۴۷ سال است ساکنان واقعی‌اش از آن بیرون رانده شده یا در داخل آن محبوس‌اند و وظیفه خود را کمک به پس گرفتن کلیدهای این خانه دانست.

آزادی انتخاب سیستم حکومتی برای مردم: پهلوی با بیان اینکه دستش به سوی پادشاهی‌خواهان، جمهوری‌خواهان، جریان‌های چپ و راست دراز است، تأکید کرد که نام هیچ سیستم حکومتی یا حزبی را به مردم تحمیل نخواهد کرد و افزود: «ما مجبور نیستیم درباره گذشته توافق داشته باشیم تا بتوانیم روی آینده به توافق برسیم».

استقبال از مخالفان به عنوان نمونه آزادی: در واکنش به برخی منتقدان که با اعطای این جایزه به او مخالف بودند، اظهار داشت که امکان انتقاد آزادانه بدون ترس از گلوله در آلمان، دقیقاً همان آزادی و حقی است که او برای خیابان‌های تهران می‌خواهد و برای آن مبارزه می‌کند.

تأکید بر فشار حداکثری و دادخواهی قضایی: او ضمن دفاع از سیاستِ «فشار حداکثری بر رژیم و حمایت حداکثری از مردم»، از سیستم قضایی آلمان خواست تا همان‌طور که شکنجه‌گران سوری را در دادگاه کوبلنتس محاکمه کرد، جنایات مقامات سرکوب‌گر در ایران را نیز تحت پیگرد بین‌المللی قرار دهد.

الگوی سقوط دیکتاتوری‌ها: با اشاره به سالگرد فروریختن دیوار برلین، تأکید کرد که سقوط دیکتاتوری‌ها همیشه «ابتدا به کُندی، و سپس به یکباره» اتفاق می‌افتد و این روز به زودی برای ایران فرا خواهد رسید.